



۲۰۱۴/۶/۱۶



م، نعیم بارز

قابل توجه محترم قیس کبیر و عریضه نویسان شان!

اگر به صورت آرام و نکته به نکته و منطقی مسایل مورد اختلاف به بحث گرفته شود و هدف از آن رسیدن به واقعیت ها و نزدیک شدن به یک حقیقت نسبی باشد نه مقابله منفی، کینه ورزانه و تحقیر مخالف فکری و مجبور ساختن آن به کنار رفتن از بحث خوب است. و الی تلف کردن وقت و ضایع ساختن انرژی است.

بلی شما که انجنیر انفورماتیک هستید و به میتود یا روش تحلیل و تجزیه علمی وارد می باشید. می دانید که برای شناخت یک پدیده فیزیکی که از اعضای مختلف ترکیب می یابد، اگر بخواهید ماهیت آنرا درست دریابید، آنرا به وسیله لابراتوار تجزیه کرده و هر جزء آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و پس از آن عملیه تجزیه و ترکیب، دانشمندان حکم نسبی علمی خود را صادر می نمایند.

در مسایل اجتماعی نیز قیل از اینکه گفته شود: چرا فساد اداری است؟ و چرا جلو فساد گرفته نمی شود؟ بهتر خواهد بود نخست یک نگاهی به حال و گذشته جامعه انداخت یعنی شناخت از اعضای متشکله جامعه، دولت مردان و سطح فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... مردم به دست آورد، آنگاه بر پایه یک چنان شناخت می شود نسبت به نحوه زندگی مردم و عملکرد افراد و نهاد های دولت و اینکه چرا فساد وجود دارد و با چه روشی می شود آنرا محدود ساخت به دآوری پرداخت.

حال بر می گردم به نکاتی از مطلب شما، که به نقل از نوشته محترم آقای عباسی، نگاشته اید:

• «برای من دشوار آمد تا تفکیک کنم که آیا نویسندگان و صائب نظران را تمسخر کردید و یا بر آگاهی و بیداری مردم نا باور استید و یا به نحوی از عبدالله جانبداری کردید».

اول: - دقت کنید، اگر نویسندگانی که آقای عباسی وکیل مدافع آنها شده اند حکم غلط علیه من صادر می کنند و من به دفاع از موضع خود آرامتر و به درستی سخن می گویم چرا آنها احساس حقارت کنند؟

دوم: - به واقعیت من در حال حاضر بر آگاهی و بیداری مجموعه مردم باور ندارم ولی در استعداد مردم خود شکی هم ندارم. مطمئن هستم که طی چند سال دیگر با حفظ ثبات نسبی موجود یکی دو دوره دیگر انتخابات ریاست جمهوری بخوبی سپری شود، بلا تردید درک و درایت مردم بالا رفته تشکلات حزبی، سندیکایی و جامعه مدنی رشد و قوام یافته و آنوقت می شود دولت و نهاد های آنها خوب کنترل کرد و در آن صورت حتماً وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به مراتب بهتر از امروز خواهد گردید.

• آقای عباسی خطاب بمن نوشته اند:
«به نحوی از عبدالله جانبداری کردید»

سوم: - آقای عباسی، اگر واقعاً چنین چیزی دیده بودند از نوشته های من باید نشان می دادند که در کجا؟، در کدام صفحه؟ در کدام پراگراف؟ و چگونه از عبدالله جانبداری کرده ام؟

اگر آقای عباسی نوشته های مرا وارونه جلوه ندهند و در پاسخ از اصل مطلب طفره نروند. حتی از عنوان نوشته من «دوکتور عبدالله لذت قدرت را چشیده، فشارش را هم خواهد چشید». می توان به خوبی دریافت و حتی برای یک کودک ده دوازده ساله هم قابل درک است، یعنی مقصد روشن است که:

«دوکتور عبدالله ظرفیت های لازم برای مقام ریاست جمهوری را ندارد و در پایان نوشته هم آمده است که عاقبت به خیر؟»

• محترم آقای کبیر، بعد از این می پردازم به دید انتقادی شما. شما از نوشته من نقل می کنید:

«کسانیکه از انتخابات دور اول ریاست جمهوری و شرکت هفت میلیون زن و مرد به عنوان حرکت قهرمانانه و حماسه آفرین یاد می کنند در واقعیت امر از خود ستایش کرده و بخود بالیده اند، چون خود را در نمایش این حرکت های میکائیکی ناشی از اراده محدود کسان شریک می دانند.»

در یک جمله کوتاه خدمت تان به عرض رسانم که نه با انتقادات بی مورد، مشکل جامعه حل می شود و نه با تعریف و توصیف کاذب از مردم.

● تبصره شما: «ضلع دوم مثلث نامقدس» نا باور بر آگاهی، بیداری و آرای مردم/// در نوشته ذیل جناب بارز چنین است که: «مردم عوام اگر در حوزه های رأی دهی رفته و ساعت ها در قطارها به انتظار رسیدن فرصت رأی دادن به سر برده اند، احتمالاً بر اساس انگیزه های قومی، مذهبی و یا بخاطر دریافت پول یکی دو روز خرچ و خوراک بوده که خواسته اند در برابر آن «دین، قرض و وام» خود را اداء نمایند و الی از میان برنامه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چه می دانند که کدام یک نزدیکتر بخیر خودشان و کشورشان می باشد».

بلی آقای کبیر! من به این باورم که مردم افغانستان اکثراً بی سواد و فقیر اند سطح آگاهی سیاسی پائین است، احزاب و سندیکا های ورزیده در کشور وجود ندارد، اکثریت قاطع مردم بیگانه به دیموکراسی و نابلد به استفاده از آزادی و روان به دنبال جنگ سالاران و سوء استفاده جویان اند، پس چگونه می شود افراد شایسته ریاست جمهوری را از میان خود بیرون داده و یکی از آن میان یعنی شایسته ترینش را به ریاست جمهوری انتخاب کنند؟

● محترم آقای کبیر! شما از جامعه افغانستان و دیموکراسی چه نوع شناخت دارید؟
آیا همین که نظام دیموکراسی در یک جامعه ای مثل افغانستان اعلام شد و یک انتخابات صوری انجام گرفت، باید انتظار داشته باشیم که فردا همه چیز بر وفق مراد همه عملی شود؟
نخیر همه شاهد هستیم و دیدیم که در هر دو طرف کاندید ها و تیم های شان شخصیت ها و قدرت های اصلی همان جنگ سالاران و سوء استفاده جویان قرار داشتند. و با این وضع گر چه بهتر است که مردم به حرکت افتیده و یا به جانب راه دیموکراسی حرکت داده شوند، اما هنوز بسیار پیش از وقت است که گفته شود، مردم ما همه دیموکرات شده و آگاهانه در دفاع از حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شان حماسه آفرینند و از خود قهرمانی نشان داده اند.
من دنباله رو توده ها و کسانی که برای به قدرت رسیدن خودشان از آنها با تعریف و تمجید کاذب سوء استفاده می کنند، نیستم.

● آقای کبیر نوشته اند:
«ضلع سوم مثلث نامقدس: جانبداری از عبدالله عبدالله/// در نوشته ذیل جناب بارز چنین است که:
«آرای مردم را قابل احترام دانستن و عبدالله عبدالله را بر کرسی ریاست جمهوری نشانند.» حالا محترم محمد نعیم بارز سؤال در اینجا است، که آیا شما به حیث یک تحلیلگر سیاسی حرفوی، مثلث نامقدس خود را به مثلث مقدس تبدیل کرده می توانید؟
زیرا در ضلع اول و دوم رأی مردم و نظریات خبرگان مردم را تمسخر کرده اید و در ضلع سوم چیزی را که در ضلع دوم مسخره و رد کرده اید قابل احترام دانسته و از عبدالله عبدالله جانبداری نمودید».

● آقای کبیر: شما از مثلث نامقدس و مثلث مقدس نام برده اید،
از شما می پرسیم مقدس چیست؟؟ و نا مقدس کدام است؟؟؟
تا آنجائی که من مطالعه کرده ام از دیدگاه دیموکراسی فقط آزادی و زندگی مقدس است، زیرا اگر انسان حق زندگی و آزادی نداشته باشد دیگر در این دنیا چه می تواند اهمیت داشته باشد؟
ولی هر چیز را مقدس ساختن درست نیست، هر چیز که مقدس شد از دید عوام و عوام زده ها نقد و انتقاد در باره آن مجاز دیده نمی شود و آن کس و یا آن چیز باید پرستش شود.
اما نمی دانم از دید شما مقدس چیست؟
لطفاً با خطوط هندسی که خود بسیار به آن وارد و علاقمند هستید اثباتش کنید.

● آقای کبیر:
به زعم شما، در ضلع اول و دوم، من مردم و نظریات خبرگان شان را تمسخر کرده ام.
شما باید می نوشتید که با کدام کلمات و جملات به مردم و خبرگان شان توهین و تمسخر کرده ام؟
در ضلع سوم: که به زعم شما، اینجانب از عبدالله عبدالله جانبداری نموده ام، غلط نوشته اید و غلط گفته اید، در هیچ جای نوشته های حال و گذشته من نشان داده نمی توانید که از عبدالله عبدالله جانبداری نموده باشم.
احیاناً من اگر از داکتر عبدالله و یا کس دیگری دفاع کنم به شما و مخالفان داکتر عبدالله چه؟ آیا کس حق ندارد خلاف نظر شما از کسی حمایت کند؟

اینکه گفته ام هرگاه مردم هر کسی را انتخاب کرد، باید به انتخاب مردم احترام گذاشته شود، آیا حرفی به غلط گفته ام؟ **این یکی از اصل های اساسی در دیموکراسی است**، ممکن ما با یک عده کسانی که در چوکات دیموکراسی مبارزه می کنند مخالفت های فکری داشته باشیم ولی دشمنی نداریم. و بدین گونه اگر کسی مخالف فکری ما با هر انگیزه ای رأی اکثریت مردم را بدست آورد، باید به رأی مردم احترام و گردن نهیم.

● آقای کبیر: این را می دانید که انسان ها در تحت چه اوضاع و شرایط به فکر پیدا شدن «مرد ناجی» می افتند؟ در حالات جنگ و بحران های نابود کننده، کاملاً اعتماد به نفس و اعتماد به هرکس و هر چیز را از دست می دهند و باور به ادامه حیات خود و بقای فرزندان شان نمی داشته باشند. آنگاه احساس و آرزوی پیدا شدن «مرد ناجی» در فکر شان قوت می گیرد. در چنین اوضاع دیکتاتور ظاهر می شود و از آن وضعیت نارضایتی و آرزو های خیالی مردم موجی ایجاد می کند و سوار بر آن موج هرچه دلش بخواهد زیر نام دین یا کدام مکتب فلسفی، سیاسی ایدئولوژیک انجام میدهد. مثلاً دوران حاکمیت برهان الدین ربانی با همین احساس مشترک همگانی زیر نام ظاهر شاه گروه طالبان به حمایت پاکستان و عربستان سعودی به قدرت رسید.

بعد از سقوط رژیم طالبان با همه کم و کاست رفته رفته اوضاع کشور و مردم رو به بهبود بوده، میلیون ها شاگرد پسر و دختر مکتب می روند، ده ها هزار محصل در پوهنتون ها مصروف تحصیل هستند، پروژه های اقتصادی در زمینه های مختلف چه در بخش خصوصی و چه در بخش سکتور دولتی یکی پی دیگر به ثمر می رسد. هیچ وقت در تاریخ کشور چون سیزده سال اخیر مطبوعات آزاد و آزادی بیان وجود نداشته است. این بسیار مهم نیست که یک نفر بنام عبدالله یا اشرف غنی احمدزی در مقام ریاست جمهوری قرار گیرد، مهمتر از هر چیز اینست که همین ثبات نسبی موجود حفظ شود.

● آقای کبیر این چیز ها را برای قانع ساختن شما و عریضه نویسان تان نمی نویسم زیرا می دانم که به گفته آقای عباسی شما انسان های چند بعدی که برای همطرازی خود از خانم مرکل صدراعظم المان مثال می آورید به ارائه هیچ دلیل و منطقی قناعت نمی کنید ولی به این امید که هستند کسانی که با ذهن آزاد و وجدان پاک سخن حق را از نا حق تشخیص کرده می توانند، می نویسم.

● آقای کبیر بالاخره اگر از من می خواهید چیزی به خیر خود بشنوید از شما خواهش می کنم از آنجائی که چون بسیار علاقمند به سیاست هستید می توانید خود مطالعه کرده و خود یاد بگیرید که به زبان دری یا پشتو که زبان شما و زبان مردم شماسست بنویسد. از قلم دیگران نمی شود به مسایل سیاسی، اجتماعی پرداخت و هنوز چیزی از مسایل اجتماعی و سیاسی ندانسته بر نوشته های دیگران به داوری و قضاوت نشست. این کار شما درست نیست، آنهم با خطوط هندسی که نه برای خود تان نتیجه خوب دارد و نه برای افرادی مثل من.

کسانیکه به صورت کاذب و ریاکارانه (نمی دانم به چه منظوری؟؟) ظاهراً برای بلند زدن و شهرت تان تعریف و تشویق تان می کنند در واقعیت امر با شخصیت شما بازی می کنند، این کار پایان خوب ندارد، اما باز هم هر انسان حق دارد که چگونه فکر کند، فقط لطفاً با خطوط هندسی بر نوشته های من داوری نکنید زیرا درک مسایل اجتماعی با خطوط هندسی از سویه من و مخصوصاً از سویه عده زیادی از مردم تان بلند است. با احترام

پایان